



شیما سیدی - از زمانی که حکیم ابوالقاسم فردوسی در سال ۴۱۶ هجری قمری درگذشت و در باغ شخصی‌اش در طوس خراسان به خاک سپرده شد، این دیار به زیارتگاه اهل ادب و معرفت ایران زمین تبدیل شد. اهل ادب معاصر نیز بر همین اساس، راغب شدند خانه آخرت خود را در جوار حکیم طوس برگزینند. نخستین جرقه‌های این آرزوی ادیبان با دافن پیکر حسین ایدینوچ در بقعه منسوب به هارونیه و مهدی اخوان ثالث در باغ آرامگاه فردوسی در سال ۶۹ زده شد و سرانجام آنان توانستند در سال ۷۸ به این خواست خود برسند. حالا بهمد «آرامگاه شاعران خراسانی» که قهرمان، احمد کمال پور، بیخ... صاحبکار، علی باقرزاده... در دیار طوس گرد هم آمده‌اند تا یاد انجمن‌های ادبی قدیم و مشهد چون انجمن فرخ، قهرمان و ماهی کافه‌داش آقا را دوباره در ذهن ما بیدار کنند.

وی برای دفن ایشان در باغ آرامگاه فردوسی، دوباره صدای موافقت‌ها و مخالفت‌ها شنیدیم می‌شود و این بار نیز قضیه با توصیه آیت... خامنه‌ای در کسوت رهبر به یبانی مطلوب منجر می‌شود. سیدی در این باره توضیح می‌دهد: «چهار سال بعد مهدی اخوان ثالث فوت کرد، پیکر اخوان را حتی به بهشت زهراي تهران هم برند، اما اهل طوس بودن اخوان، سروده شدن شعر حماسی توسط وی و فعالیت‌هایش دربارهٔ فردوسی موجب شد که دوستان و خانوادهٔ وی، آخرین خواسته اخوان مبنی بر دفن پیکرش در باغ آرامگاه فردوسی را مطرح کنند. این تقاضا، موافقت آیت... خامنه‌ای را که از دوستان اخوان ثالث بودند، در پی داشت. پس از صدور اجازه‌نامه، بر سر اینکه اخوان کجای آرامگاه دفن شود، میان مسئولان وقت، اختلاف نظر فراوان پیش آمد؛ البته موافقت‌ها و مخالفت‌ها همه از سر دل‌سوزی بود و کسی دشمنی نداشت. مخالفان معتقد بودند اخوان آدم بزرگی است ولی وقتی در باغ آرامگاه فردوسی دفن شود، نمی‌توان برایش کاری کرد، چرا که هر چه بسازی، در برابر بنای آرامگاه حقیر به نظر می‌رسد. کار جدی هم نخواهیم انجام دهیم، دیگر با فردوسی نمی‌تواند برابری کند؛ به همین خاطر ممکن است اینجا گمنام باقی بماند. موافقان اما می‌گفتند جایی اخوان همین جاست و باید در کنار فردوسی به خاک سپرده شود. سرانجام توافق شد که پیکر او کنار موزه دفن شود.»

بیان اولین پیشنهاد ایجاد آرامگاه ادیبان، قبل از فوت اخوان



دکتر احمد علوی، پیشک
متخصص آسیب‌شناسی مغز و
محقق شعرشناس، که تنها عضو
باقی‌مانده از اولین هیئت امنای
پنج نفرهٔ «آرامگاه شاعران
خراسان در طوس» است، دربارهٔ تاریخچهٔ شکل‌گیری
این آرامگاه می‌گوید: «در ماه‌های اول سال ۶۹، قبل از
فوت مهدی اخوان، من در انجمن ادبی فرخ با تعریف
خاطره‌ای از سفر هم به مقبره الشعراى تبریز و مقبرهٔ
هنرمندان لنگرادر شوروی (سپنترزبورگ فعلی)،
پیشنهاد دادم که شاعران خوب و بنام مشهدی چون
اقایان قهرمان، کمال‌پور، صاحبکار، قدس صدیق،
بافروززاده و... هم جایی در مشهد، که در شأن این افراد
باشد، ترجیحاً نزدیک آرامگاه فردوسی، پیشنهاد کنند تا
بعد از مرگ نیز دوباره همین جمع در آن دنیا دور هم جمع
شوند. آن جلسه همه به این پیشنهاد خندیدند و کسی آن
را جدی نگرفت. بعد از این ماجرا اخوان ثالث فوت کرد و
پس از کش و قوس‌های فراوان و چند روز ماندن پیکر ایشان
در سردخانه، سرانجام توانستیم ایشان را در باغ آرامگاه
فردوسی دفن کنیم. چند جلسه بعد از فوت اخوان من
دوباره پیشنهاد را مطرح کردم و آن زمان این بحث
جدی‌تر شد. یکی از شاعران، آقای قدسی که بیشتر سفر
می‌کردند، قرار شد بروند تهران و این درخواست را با
...آرامگاه‌های، که دیوان مشترک تمامی شاعران
حاضر در جمع بودند، در میان بگذارند. آیت‌الله خامنه‌ای
با پیش‌فهمی جمع، موافقت و توصیه‌نامه‌ای به
میراث‌فرهنگی خراسان ارسال کرد تا محلی برای
آرامگاه شاعران خراسان در نظر بگیرند.»

آقای قهرمان
هم در همان
جلسه که در
منزل ایشان
بود، شعری
خطاب به
رهبری
می‌سراید با
من مضمون که
ما چند رفیق
کنار هم شعر
می‌خوانیم،
در این دنیا
پیزی از شما
می‌خواهیم اما
نه خوب است
محبت کنید
و زمین به ما
دهد تا پس از
مرگ کنار هم
باشیم

قهرمان، به‌نمایندگی از شاعران خراسانی، میدان دانش

این دو حادثه مشابه، ذهن دوستان مرحوم خدیج و اخوان را به خود مشغول کرد. سرانجام پس از مشورت‌های بسیار آنان در جلسات شعر خوانی منزل دکتر قهرمان به این نتیجه رسیدند که درخواست خود دربارهٔ «اختصاص قطعه زمینی در دیار طوس برای شاعران خراسانی» با رهبری در میان بگذارند تا این بار در زمان حیات، تکلیف شاعران مشخص شود و نیاز به چانه‌زنی پس از مرگ نباشد. سیدی می‌گوید: «پس از این واقعه، دوستان مهدی اخوان ثالث و خدیج گفتند که دوتن از دوستان مادر طوس دفن شده‌اند، کاش تکه‌زمینی آنجا را اختیار ما قرار دهند که همه پس از مرگ، دوباره دورهم جمع شویم. آقای قهرمان هم در این جلسه که در منزل ایشان بود، شعری خطاب به رهبری می‌سراید یا این مضمون که ما چند رفیق کنار هم شعر می‌خوانیم، در این دنیا چیزی از شما نمی‌خواهیم اما چه خوب است محبت کنید و زمینی به ما بدهید تا پس از مرگ کنار هم باشیم. امیدوارم ما را متهم نکنند که از رفافت سوءاستفاده کردند. این تقاضای ما برای پس از مرگ است. آن زمان یکی از برادران آیت...، خامنه‌ای به نام سید حسن خامنه‌ای، رئیس اداره ارشاد خراسان بود. آقای قهرمان، شعر را در پاکتی می‌گذارند و به ایشان می‌دهند و می‌گویند هر وقت آقا را دیدید، این پاکت را خصوصی به ایشان بدهید. ایشان هم می‌برند و مدتی از این ماجرا می‌گذرد. آقای خامنه‌ای هر زمان به مشهد می‌آیند، یک روزشان را به دوستان شاعر قدیمی خود اختصاص می‌دادند. در اولین سفر بعد از این تقاضا، یک روز در دیدار با شاعران، در مشهد، دربارهٔ این درخواست

فوت‌خواه، بهانه‌شد



گر چه قطع زمین (احتمالاً ۳۲ هزار متری آرامگاه شاعران خراسانی، سال ۷۸ و در محوطه جلوی باغ آرامگاه فردوسی (محوطه پیشخوان کنونی) در اختیار هیئت امنای قرار گرفت، برای گفتن از تاریخچه این آرامستان باید به ۱۳ سال قبل و حدود هزار و ۳۰۰ متر آن طرف تر یعنی بقعه منسوب به هارونیه برویم. مهدی سیدی، پژوهشگر مشهوری، که از همان ابتدا از روند اختصاص زمین به شاعران با خبر بوده است، تاریخچه شکل گیری آرامگاه شاعران خراسانی را با ذکر جزئیات چنین شرح می دهد: «۲۴ مهر سال ۵۸ حسین خدیوچم درگذشت. ایشان بزدی الاصل وزاده مشهد بود. خدیوچم که غزالی شناس بود و بسیاری از کتاب های غزالی را ترجمه کرده، در وصیت نامه خود خواسته بود پیکرش را در کنار آرامگاه امام محمد غزالی دفن کنند. آن زمان هنوز مقبره فعلی امام محمد غزالی کشف نشده بود و گمان می رفت هارونیه، مقبره یا خانقاه امام محمد غزالی باشد، بنابراین با وساطت آیتا... خامنه ای که از دوستان خدیوچم و آن زمان رئیس جمهور بودند، حسین خدیوچم در بقعه منسوب به هارونیه دفن شد». چهار سال بعد با فوت مهدی اخوان ثالث و در خواست دوستان و خانواده

آرامستان شعراي خراسان
« مقبرة الشعراء » ←

نیش قبر ماجرای شکل‌گیری آرامگاه شاه‌اعران خراسان در طوس

خانه
ابدی
چهره‌های
ادبی